

بازگشت قریب الوقوع عیسی مسیح در مذهب انگلیکن با نگاهی به فقه اسلامی^۱

منصوره نجات نیا،^۲ بخشعلی قنبری،^۳ محمدرضا عدلی^۴

چکیده

رجعت عیسی مسیح که از آن به ظهور ثانویه یا پاروسیا تعبیر می شود یک اعتقاد مسیحی است که این عقیده بر اساس پیشگویی ها و بخشی از معاد شناسی مسیحیت است. نسبت به این دیدگاه در میان فرقه های مسیحیت اختلاف نظرهایی وجود دارد. در عهد جدید به بازگشت حضرت عیسی اشاره شده است و در آن از اصطلاحاتی مانند: رسیدن، آمدن یا حضور یاد می شود و از آن واقعه به عنوان "نجات دهنده" و "تجسم" خداوند تعریف می شود. بنا به نقل انجیل عهد جدید بازگشت عیسی به زمین رویداد باشکوهی خواهد بود که به همراه حوادثی ظاهر خواهد شد. در اعتقادنامه نیقیه و اعتقادنامه رسولان، آمدن دوم ذکر شده است. در قرون بعد موضوع بازگشت عیسی مسیح در محافل پروتستان نیز دارای بحث ها و اعمال اصلاحاتی است بویژه آنکه در آیین های لوتری و انگلیکن هم بعنوان بازگشت دوم آمده است که حضرت عیسی دوباره با جلال خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری کند. بنا به اعتقاد انگلیکن ها علائم و شواهد بازگشت مسیح را در دنیا و زندگی کنونی تجربه می کنیم که به وضوح در فرازهای عشای ربانی شاهد آن هستیم. به باور آنان رجعت در عدالت و صلح است و این واقعیت باید تحقق یابد. نهایت اینکه اعتقاد و انتظار بازگشت مجدد حضرت عیسی در آخرالزمان وجود دارد. تشابه رجعت حضرت عیسی با اعتقادات اسلامی و آنچه در قرآن و روایات اسلامی وجود دارد بسیار شگفت انگیز است و این خود تأکیدی بر وقوع رجعت آنحضرت است که در آخر اشاراتی از منابع محکم اسلامی خواهیم داشت. در این جستار موارد برجسته اعتقادات آخرالزمانی مسیحیت بخصوص در فرقه انگلیکن مورد بررسی قرار می گیرند.

کلیدواژه: عیسی، پاروسیا، مسیحیت، عهدجدید، پروتستان، انگلیکن، قرآن.

^۱ تاریخ دریافت: ۰۸ خرداد ۱۴۰۱، تاریخ پذیرش: ۳۱ مرداد ۱۴۰۱.

^۲ دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۴ دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

در آموزه های مسیحیت آمده است که همه در آمدن دوم عیسی مسیح توسط خداوند قضاوت خواهند شد. در مسیحیت اولیه، مسیح به عنوان قاضی، رستائیز مردگان، جدایی نجات یافتگان و لعنت شدگان، و نمایش هایی از بهشت و جهنم است.

اعتقاد به رستائیز جسمی به دلیل اعتقاد به رستائیز مسیح معمولاً با مسیحیت مرتبط است. انتظار رستائیز مردگان در چند اثر از کتاب مقدس یافت می شود. در کتاب حزقیال این پیش بینی وجود دارد که بنی اسرائیل عادل از مردگان برخیزند. کتاب دانیال، امید به رستائیز را با برخاستن بنی اسرائیل عادل و ناعادل از مردگان توسعه داده است که پس از آن یک داوری رخ خواهد داد. در برخی از ادبیات بین عهدین نیز مانند آخرالزمان سریانی باروخ، انتظار رستائیز جهانی در زمان ظهور مسیح وجود دارد. گزارش های رستائیز عیسی در چهار انجیل - متی، مرقس، لوقا و یوحنا - یافت می شود و عبارات الهیاتی مختلفی از اعتقاد و اجماع کلیسای اولیه مبنی بر برخاستن مسیح در عهد جدید وجود دارد. آمدن ثانویه خداوند به وسیله مردی انجام می شود که خداوند خود را شخصاً به او نشان داده است، و او را با روح خود پر کرده است، تا بتواند آموزه های کلیسای جدید را از خداوند به وسیله کلام تعلیم دهد.

دیدگاه های مختلف در مورد بازگشت قریب الوقوع عیسی مسیح را می توان به دو مورد کلی تقسیم کرد: کسانی هستند که نزدیک بودن را انکار می کنند و کسانی که از قریب الوقوع بودن آن دفاع می کنند. کتاب مقدس باید تنها مرجع برای آموزه قریب الوقوع باقی بماند، اما با این حال، شواهدی را می توان از تفاسیر پدران کلیسا و اصلاح طلبان به دست آورد. در میان اصلاح طلبان قریب الوقوع بودن وجود دارد. هم پدران و هم اصلاح طلبان همه چیز را با توجه به شرایط خود تفسیر کردند. (Block, Marguerite Beck, 1932. P.389) در میان اصلاح طلبان معاصر نیز رجعت مسیح بعنوان بخشی از اعتقادات مستحکم آنان وجود دارد. آنان تاکید دارند که بازگشت مسیح قریب الوقوع و مشهود است و الهام بخش، مقدس و بشارت به جهان است.

این بازگشت قریب الوقوع با اعتقاد اسلامی بویژه شیعی در ظهور قریب الوقوع حضرت مهدی (عج) که بسیار تاکید بر رجعت حضرت عیسی (ع) و برپایی نماز پشت امام مهدی (ع) شباهت بسیار قابل تاملی دارد که اشاره خواهیم داشت.

مقاله حاضر بحث اعتقاد به رجعت عیسی مسیح را با توجه به تحولات و نگرش های مسیحیت معاصر در مذهب انگلیکن مورد مطالعه قرار می دهد و باور خاص این مذهب را نسبت به موضوع رجعت بطور تخصصی و ریشه ای تحلیل می نماید.

۱- دیدگاه بازگشت مسیح

موضوع بازگشت عیسی مسیح در محافل محافظه کار پروتستان بسیار بحث برانگیز بوده است. اساساً، ردپای اختلاف نظر را می توان در اصول هرمنیوتیکی جستجو کرد که منجر به دیدگاه های پیش هزاره، پسا هزاره و هزاره شده اند. اما بیش از این، سه دیدگاه درباره بازگشت مسیح وجود دارد. جایگاه پیش هزاره، بر اساس پاسخ های ارائه شده متفاوت به یک سوال بنیادی، که حداقل به چهار موضع متضاد تقسیم شده است: چه زمانی واقعه بزرگ کلیسا اتفاق می افتد؟ پس ما دیدگاه های پیش مصیبت گرا، میان مصیبت گرا، پسا مصیبت گرا و دیدگاه متمایل به واقعه بزرگ را داریم.

این همه دیدگاه متفاوت از سوی قوم خدا و ادیبان صالح انجیل طرفداری می شود؟ چه چیزی باعث این تفاوت ها است؟ والوورد، متخصص دیدگاه پیش مصیبت گرایی، و لاد، متخصص دیدگاه پسا مصیبت گرایی، هر دو تصدیق می کنند که مواضع مورد نظر آنها به صراحت در کتاب مقدس آموزش داده نشده است. (John F. Walvoord, 1957, p, 148) هر دو آنها قاطعانه تایید می کنند که کتاب مقدس بازگشت شخصی و قابل رؤیت

عیسی مسیح را تعلیم داده است اما در عین حال ، هر دو آنها موافقند که زمان دقیق بازگشت، هیچ کجا به صراحت بیان نشده است.

لاد نادرست معرفی می کند موضع پیش مصیبت گرایان درباره حذف بازدارنده، یعنی روح القدس، (Thess. 2:6-7) هنگامی که او استدلال می کند که پوچ است که فکر کنیم که بقایای یهودیان بدون آن روح ساکن در مصیبت بزرگ بهتر از کلیسا می توانست کار بشارت را انجام دهد که در عصر حاضر انجام می دهد. (George Eldon Ladd, 1956, p. 96) در آن زمان حضور مطلق روح را در جهان خواهیم داشت که بشریت را محکوم ، احیاء و سکونت می دهد. تعمیم ها و یکسان سازی دیدگاه ها یک فرد با کل نظام دلیل دیگر است. طرفداران موضع مشابه شاید با تفسیر گزیده ای خاص موافق نباشند. وود دو ظهور را در گفتار آلیوت می بیند (Leon J. Wood, 1956, p. 96) در حالیکه بسیاری دیگر از متخصصان دیدگاه پیش مصیبت فقط یکی را تشخیص داده اند. همه این دیدگاه های متفاوت تأثیری مستقیم بر موضوع فعلی دارند: آیا بازگشت عیسی مسیح قریب الوقوع است؟ آیا او هر لحظه می تواند بیاید؟ آیا می تواند امروز بیاید؟

۲- دیدگاه های مخالف قریب الوقوعی بازگشت

حداقل پنج دیدگاه وجود دارد که منکر قریب الوقوعی بازگشت هستند و این دیدگاه ها میان سه موضع هزاره بخش شده اند.

۲-۱- دیدگاه لیبرال، نو ارتدوکس

احیای تفکر مربوط به موضوع بازگشت مسیح هم توسط دانشمندان الهیات لیبرال و هم توسط دانشمندان الهیات نو ارتدوکس صورت گرفته است. این امر با استفاده از کتاب های متعدد نوشته شده این موضوع قابل اثبات است از جمله کتاب های قابل ذکر ۲، به هر حال ، والوود اظهار می کند که متخصصان الهیات لیبرال و نو ارتدوکس به علت گرایش شان به معنویت بخشیدن به ظهور دوم ، هیچ نقشی در مسئله واقعه بزرگ ندارند (John F. Walvoord, 1957, p.8)

۲-۲- غیرهزاره گرایی

غیره هزاره گرایان به عنوان یک قانون کلی به بازگشت خصوصی و قابل رؤیت عیسی مسیح معتقدند اما قریب الوقوعی این رویداد را رد می کنند. **برخوف** (Berkhof) در رابطه با انکار قریب الوقوعی ، معتقد است که این رویدادها پیش از ظهور مسیح خواهند بود: دعوت از غیر کلیمیان یا ترویج مسیحیت در سراسر جهان ، (George Eldon Ladd, 1956, p. 696-703) **آلیس** (Allis) به صراحت برخوف نیست.

او اما با اطمینان اظهار می کند که امر مهم تبلیغ مسیحیت در سراسر جهان می بایست پیش از ظهور مسیح انجام شود تا او بتواند ظهور کند. (Oswald T. Allis, 1945, p. 257-260)

مهم است به خاطر داشته باشیم که دیدگاه آنها که غیره هزاره گرا هستند ، آنها که به هزاره معنوی گذشته یا تقریباً گذشته معتقدند و غیره هزاره گرایی که اصلاً اعتقادی به هر نوع هزاره زمینی ندارند . (Oswald T. Allis, 1945, p. 167-168)

۲-۳- پسا هزاره گرایی

در قرن نوزدهم، نظام مطلوب پسا هزاره گرایی بود. اما دو جنگ جهانی و رکود اقتصادی بین المللی این نظام را از بین برد. علیرغم این امر، تعدادی از پژوهشگران انجیلی که این موضع را همراه با انکار قریب الوقعی ظهور پذیرفته اند هنوز هم وجود دارند. به هر حال، با توجه به شرایط کنونی، به نظر می رسد که چیز زیادی یا اصلاً هیچ چیز در کتاب مقدس گواهی بر بازگشت مسیح در طول حیات نسل کنونی نمی دهد. (Lorraine Boettner, 1963, p. 136)

۲-۴- میان مصیبت گرایی

این دیدگاه مصیب عظمی را با نیمه آخر هفته هفتادم **دانیال** (Danie) مشخص می کند (Dan, 9:24-27). کلیسا سه و نیم سال اول آن دوره هفت ساله را تجربه خواهد کرد، دوره ای که صلح و امنیت نسبی است اما از خشم نیمه دوم آن هفت سال عبور نخواهد کرد. واقعه بزرگ در اواسط این دوره هفت سال خواهد بود. این دیدگاه دو مرحله از ظهور مسیح را در بر دارد اما لزوماً قریب الوقوع بودن واقعه بزرگ را انکار می کند. **نورمن بی. هریسون** (Norman B. Harrison) چنین می نگارد:

ما از کتاب مقدس درک می کنیم که مسیح نه می تواند در دوران حیات پیترو باز گردد؛ نه حتی در ایام آپوستلس (Apostles)؛ نه حتی قبل از اصلاحات؛ نه حتی قبل از اینکه برنامه مبلغین مذهبی کامل شود؛ نه حتی قبل از اینکه ارتداد ما را فرا گیرد؛ نه حتی قبل از روزهای پایانی حیات ما. (Norman B. Harrison, 1941, p. 233)

۲-۵- پسامصیبت گرایی

سرسخت ترین دشمن سیستم تفسیری مذهبی انجیل، پیش هزاره پیش مصیبت گرایانه و قریب الوقعی ظهور در میان انجیلی های معاصر، دیدگاه پسا مصیبت گرایی است. این دیدگاه نشان می دهد که کلیسا از مصیبت عظمی گذر خواهد کرد و با بازگشت حضرت عیسی به زمین پس از مصیبت تصرف خواهد شد. این امر قریب الوقوع بودن را نفی می کند. (George Eldon Ladd, 1956, p. 165).
والوورد اظهار می کند که پسا مصیبت گرایان تلاش می کنند تا یا قریب الوقعی را انکار کنند و یا معنای متفاوتی را به این واژه نسبت دهند که به فوریت نیاز ندارد. (George Eldon Ladd, 1956, p. 13-19)

۳- دیدگاه هایی درباره قریب الوقعی

طرفداران اصلی بازگشت قریب الوقعی عیسی مسیح آنها می هستند که به پیش از مصیبت واقعه بزرگ کلیسا اعتقاد دارند. این دیدگاه مبتنی بر رویکرد پیش هزاره و سیستم تفسیر مذهبی نسبت به کتاب مقدس است. والوورد پنج استدلال برای پیش مصیبت گرایی بیان می کند از جمله اینها عبارتند از: ماهیت کلیسا، ماهیت مصیبت عظمی، رهبر کنونی کتاب مقدس، مقدمات تاریخی، اصول هرمنیوتیک، لزوم روی دادن رخدادها بین روز واقعه و بازگشت مسیح به زمین، و قریب الوقعی. این دیدگاه ها نشان می دهد که مسیح می تواند در هر لحظه برای تسخیر کلیسای خویش ظهور کند.

۳-۱- دیدگاه روز واقعه جزئی

این دیدگاه تعدیل موضع سخت پیش مصیبت گرایی است. مسیحیانی که ظهور او را تماشا می کنند، می بینند و عاشق ظهور او (مسیح) هستند. (Luke 21:35, Heb. 9:27-28 Tim, 4:8) توسط مسیح زمانی که باز می

گردد ، برگزیده خواهند شد. این امر می تواند در هر زمانی رخ دهد. پس روز واقعه پاداش با ایمان ها است. یکی از طرفداران مهم این دیدگاه **جی. اچ. لانگ (G. H. Lang)** انگلیسی است.

۳-۲- پسامصیبت گرایی

در نگاه اول ، شاید حضور پسامصیبت گرایی در این دسته اشتباه به نظر برسد اما در واقع پسا مصیبت گرایی یک تناقض را برای ما ایجاد می کند. **پنطیکاست (posttribulationist)** تا حدی اشتباه می کند زمانی که می گوید " پسا مصیبت گرایی باید اصل قریب الوقوع بودن را انکار کند... " (J. Dwight Pentecost, 1958, p. 165) در صورتی که همه پسامصیبت گرایان به اتفاق این تفسیر آینده پژوهانه را مطرح کنند حق با او است اما همه آنها این کار را نمی کنند. بین "نقاط قوت هر سه روش تفسیر نبوی" را بیان می کند: تاریخی ، آینده پژوهانه و گذشته (یا گذشته پژوهانه) ، و با این کار اصل قریب الوقوع بودن ظهور مسیح را حفظ می کند. (J. Barton Payne, 1962, p. 105-106) او پیش مصیبت گرایی را برای حفظ قریب الوقوعی پیشنهاد می کند اما آن را به جهت بدعت واقعه بزرگ مخفی نقد و نکوهش می کند و بنابراین تک ظهور مسیح را به دو مرحله تقسیم می کند. پس موضع بین هم پسا مصیبت گرا و هم قریب الوقوعی است. (J. Barton Payne, 1962, p. 41) بین ایرادات پسامصیبت گرایی به قریب الوقوع بودن ظهور را مشخص می کند ، از جمله این ایرادات عبارتند از: طیف وسیع پیشگویی ها و مصیبت عظمی به عنوان مقدماتی برای بازگشت مسیح که بطور بالقوه و در حال حاضر در حال تحقق هستند. او چنین می نگارد: (J. Barton Payne, 1962, p.107)

۴- استدلال های مخالف با قریب الوقوعی ظهور

استدلال هایی که در زمان های مختلف علیه دیدگاه قریب الوقوعی مطرح شده اند.

۴-۱- لزوم فاصله زمانی بین رویدادها

این رویدادها باید پیش از بازگشت احتمالی مسیح اتفاق بیفتند. بعضی از اینها در طول دوران **آپوستولیک (apostolic)** محقق شدند ؛ قرن ها طول کشیده تا سایر رویدادها تحقق یابند؛ و تعداد اندکی هم در آینده رخ می دهند.

۴-۲- درگذشت پطرس (Peter)

مسیح در طول دوران خدمت پسا رستاخیز خویش به **پطرس** اعلام کرد که " زمانی که جوان بودی ، هر جا که می خواستی می رفتی اما وقتی که پیر شوی ، شخص دیگری کمربند تو را خواهد بست و تو را به می برد و تو نخواهی توانست. و نشان داد که با چه روشی از مرگ باید خداوند را تسبیح گفت " (John 21:18-19). پطرس در اواخر حیاتش به این پیش بینی اشاره کرد (Peter 1:14-15). بحث این است که تا زمانی که پطرس پیر شود و از دنیا برود ، مسیح نمی توانست ظهور کند. این امر باعث می شود که ظهور مسیح حداقل تا سال ۶۸-۶۵ پس از میلاد مسیح ، تاریخ سنتی شهادت پطرس ، به تأخیر بیفتند. پنطیکاست چنین پاسخ می دهد:

چنین استدلالی در فهم این مسئله ناموفق عمل می کند که بسیاری از افراد دریافت کننده چنین اخباری خود معتقد بودند که امکان دارد سیر طبیعی تاریخ به واسطه ی تفسیر مومنان از محیطی که تاریخ در آن رخ داده ، متوقف و تا زمان بازگشت قریب الوقوع به تاخیر افتد. (Dwight Pentecost, 1958, p. 168)

والوورد معتقد است که پیشگویی یوحنا ۲۱ بطور کلی تا قبل از نگارش انجیل (گاسپال) ناشناخته بود. اگر شناخته شده بود ، خطرات شهادت و عدم ارتباط ، مؤمنان را به فکر فرو می برد که آیا پطرس هنوز زنده است ؛ پس امید

آنها هنوز هم می تواند قریب الوقوع بودن باشد. (John F. Walvoord, 1957, p. 150-151) وود اظهار می کند: از این رو، درست است که تا زمان زنده بودن پطرس، عیسی نمی توانست ظهور کند. اما باید توجه داشت که این امر فقط زمان قطعی پایان زندگی پطرس را مشخص می کند و نه مدت زمانی را که او زندگی خواهد کرد. و این مورد دوم است که برای پسا مصیبت گراها مهم است.

چه کسی می دانست چه مدت طول می کشد تا پطرس زندگی را وداع گوید؟ می توانست هر موقع اتفاق افتد. در نتیجه ظهور مسیح صرفاً قریب الوقوع بود. (J. LeonJ. Wood, 1956, p. 38). ظاهراً، پطرس در این زمان میانسال بود. (John 21:18). پس از پنطیکاست، پطرس با آزار و شکنجه ای یکباره و احتمال از دست دادن زندگی مواجه شد (Acts 4,5,8,12). مرگ او قریب الوقوع بود؛ بنابراین ظهور مسیح امری قریب الوقوع بود.

۴-۳- تبلیغ جهانی مسیحیت

مسیح به مریدان و کلیسا مأموریت داد تا برای جذب مریدانی از همه ملت ها به سرتاسر جهان سفر و انجیل را به کل آفرینش تبلیغ کنند (Acts 1:8, Mark 16:15, Martt.28:19). این برنامه نیازمند زمانی طولانی است بنابراین مسیح نمی تواند تا زمان تحقق این مأموریت کلیسا ظهور کند. لاد چنین می نگارد: ظهور مسیح تا زمانی که کلیسا وظیفه اش را به اتمام رساند به تأخیر می افتد. زمان تحقق آیه ۲۴:۱۴ متی آنگاه مسیح ظهور خواهد کرد ... تقریباً به جهان بشارت داده شده است؛ (George Eldon Ladd, 1956, p. 148)

والوورد تصور می کند که تبلیغات گسترده دوران آپوستولیک (apostolic) دوران رسولان ممکن است این امر بزرگ را محقق کرده باشد. (John F. Walvoord, 1957, p. 151) این امر در روز پنطیکاست. اگر یهودیان به کشورهای مطبوع خود باز می گشتند و پیام انجیل را اعلام می کردند، آیا این، مأموریت مسیح را محقق نمی کرد؟ آیا این مأموریت شامل مناطق جغرافیایی و افراد خاصی بود؟ آیا پیش از ظهور مسیح، باید هر شخصی در جهان حداقل یکبار انجیل را بشنوند؟ اگر چنین است پس میلیون ها نفر در گذشته اند بدون اینکه چیزی درباره عیسی مسیح شنیده باشند. اگر چنین بود آیا هرگز این مأموریت به سرانجام خواهد رسید؟

۴-۴- برنامه و محتوای صدارت پولس

مسیح به پولس مأموریت داد تا شاهد غیر یهودیان، پادشاهان و بنی اسرائیل باشد و متحمل رنجهای بزرگ شود (Acts 9:15-16) پولس برنامه های بسیار طولانی برای سفرهای تبلیغاتی خود داشت (Rom. 15:24). پولس حتی در اواخر حیاتش، مرگ خود را پیش بینی کرد (Time. 4:6). آیا این امر اعتقاد به قریب الوقوع بودن ظهور را از طرف پولس نفی نمی کند؟

وود تصور می کند که این نوع استدلال ناملموس است زیرا که هیچ نشانه ای در مورد اینکه چقدر پولس تجربه می کند و چه مدت دوام خواهد آورد، وجود ندارد. (J. LeonJ. Wood, 1956, p. 37)

۴-۵- ویرانی اورشلیم

اورشلیم باید پیش از ظهور دوم مسیح بر زمین، ویران شود (Luke 21:20-24). از آنجا که اورشلیم در سال ۷۰ پس از میلاد مسیح ویران شد، پس مسیح نمی توانست قبل از آن بیاید. به هر حال، اهمیت این استدلال ها در ظهور مسیح فقط در یک مرحله است. این از نظر منطقی قابل قبول نیست. ویرانی اورشلیم می توانست تا بعد از واقعه بزرگ به تاخیر افتد. در حقیقت، هیچکس نمی دانست که اورشلیم چه وقت ویران خواهد شد.

۴-۶- دوره تاریخ کلیسا

هریسون به این عقیده باور دارد که هفت کلیسای وحی ۳-۲ از نظر نبوی سیر تاریخ کلیسا را آشکار می کند. (Norman B. Harrison, 1941, p. 231-233) این پیشرفت نیاز به مدت زمانی طولانی داشت؛ بنابراین مسیح نمی توانست در طول ۱۹۰۰ سال گذشته ظهور کند. اسکوفیلد (Scofield) با طرح نبوی خود در این فصل ها تا حدودی از موضع غیر قریب الوقوعی حمایت می کند. (Leon J. Wood, 1956, p. 1332-1334).

۴-۷- ارتداد و انسان گناهکار

پین در تفسیر پسا مصیبت گرایانه ۲ تسالونیک ۲ می نویسد که "پاروسیا مسیح و واقعه بزرگ همراه، یا گرد هم آمدن برای او باید در روز خداوند رخ دهند اما دجال و جنبه های دیگر آن مصیبت اول اتفاق خواهند افتاد". (J. Barton Payne, 1962, p. 60) لاد و چارلز اِردمان (Charles Erdman) هر دو هم رای هستند. (George Eldon Ladd, 1956, p. 51)

لاد این گفتار را به دلیل استفاده مکرر از "گرد هم آمدن" به متی ۲۴:۳۱ ربط داده است. وی سپس این گفتار بعدی را به دلیل استفاده مکرر از کلمات "ظهور"، "شیپور" و "فرشتگان" با ۱ تسالونیک ۴:۱۶ مقایسه می کند. آنها اظهار می کنند که اگر روز واقعه پیش از مصیبت رخ دهد.

۴-۸- بازگشت بنی اسرائیل

لاد با نگاهی به تاریخ جهان نتیجه می گیرد که مسیح احتمالاً نمی توانست تا سال ۱۹۴۸ ظهور کند. او اظهار می کند که: روز واقعه کلیسا رویداد بعدی تقویم نبوی نیست؛ بلکه بازگشت بنی اسرائیل به سرزمین او است... تا زمانی که اسرائیل به عنوان یک ملت به فلسطین بازگردانده نشود، روز واقعه رخ نخواهد داد.

۴-۹- تمثیل های اشاره کننده به تأخیر

طرفداران عدم قریب الوقوع بودن اظهار می کنند که تمثیل های مختلف یک وقفه طولانی را بین زمان رفتن و زمان بازگشت مسیح نشان می دهند (برای مثال: متی 25:14-30). اما چه چیز این وقفه طولانی را شکل می دهد؟ (۲ پطرس 3:3-4، یهوذا ۱۸).

۴-۹-۱- انکار دو مرحله

این استدلال مستقیماً با مسئله قریب الوقوعی در ارتباط است. پیش مصیبت گرایان تفسیر کلیسا از بازگشت مسیح به زمین را حداقل به هفت سال تقسیم می کنند. پسا مصیبت گرایان با پافشاری بر این مسئله که هر دو انتقال و بازگشت در یک زمان اتفاق می افتند، مدعی یگانگی این رویداد هستند. آنها ادعا دارند که انجیل هیچ چیز درباره دو مرحله ای بودن ظهور ثانویه نمی گوید. پین اظهار می کند که و ازگان یونانی پاروسیا (parousia)، اپیفانیا (epiphaneia) و آپوکالوپسیس (apokalupsis) کلماتی تخصصی برای اشاره به یگانگی این رویداد هستند. آنها واژه هایی غیر تخصصی نیستند که بتوان برای هر دو رویداد روز واقعه و مکاشفه از آنها استفاده کرد. (J. Barton Payne, 1962, p. 68) لاد می نویسد که کتاب مقدس در هیچ کجا بر وجود روز واقعه ای تأکید ندارد که قبل از مکاشفه اتفاق می افتد. (George Eldon Ladd, 1956, p. 67) استدلال آنها اینگونه عمل می کند. از آنجا که فقط یک ظهور ثانویه وجود دارد و آن پس از مصیبت اتفاق می افتد (-Matt, 24:29) 31 پس روز واقعه باید در آن زمان رخ دهد. روز واقعه و مکاشفه نمی توانند قریب الوقوع باشند چرا که وقایع مصیبت عظمی لزوماً آن را اعلام می کنند.

۴-۹-۲- کاربرد تماشا

طرفداران عدم قریب الوقوعی معتقدند که دستور به تماشا به معنای تماشای اتفاقی نیست که هر لحظه ممکن است رخ دهد. لاد با استناد به پذیرش نویسندگان پیش مصیبت اظهار می کند که فرمان تماشا در دوران مصیبت به یهودیان داده می شود (Matt. 24:43, Luke 12:37, 21:36):

... در صورتی که پیش مصیبت گرایان بتوانند فرمان تماشا را برای هر کسی در میانه ی مصیبت عظمایی که پایانش تقریباً مشخص است ، اعمال کنند پس آنها نمی توانند با استناد به غیر ممکن بودن تماشای رویدادی با پایانی تقریباً مشخص ، برای مؤمنان ، به اعمال همین توصیه ها در مورد کلیسا اعتراض کنند. لاد اضافه می کند که : به دلیل عدم قطعیت زمان است که ما باید تماشا کنیم نه به علت قریب الوقوعی ...

۵- استدلال های موافق با قریب الوقوعی

به نظر می رسد قریب الوقوعی نتیجه ای برای موضع پیش مصیبت روز واقعه است ؛ بنابراین هر استدلالی برای این موضع بطور غیر مستقیم استدلالی بر قریب الوقوعی است.

۵-۱- تعالیم صریح کتاب مقدس

۵-۱-۱- یوحنا ۳: ۱۴

در سخنرانی که شب قبل از مصلوب شدن توسط مسیح برای شاگردانش ایراد شد ، فرمود: " و چنانچه من رفته ام و مکانی را برا شما مهیا کردم ، بار دیگر می آیم و شما را به درون خود می پذیرم ؛ این امر دلالت بر واقعه ای دارد که هنوز رخ نداده است اما به نظر می رسد که وقوع آن به قدری قطعی است که گمان می رود در حال تحقق باشد". (H. E. Dana and Julius R. Mentey, 1962, p. 185) انتخاب زمان حال به جای زمان آینده در این متن نبوی احتمالاً نشان دهنده ی احتمال همیشه موجود تحقق ظهور یا قریب الوقوعی آن است.. (J. Barton Payne, 1962, p. 74)

۵-۲- بازگشت قریب الوقوع در منابع

۵-۲-۱- یوحنا ۲۳-۲۱: ۲۱

اکثر منتقدان دیدگاه قریب الوقوعی اظهار می کنند که قبل از آنکه مسیح ظهور کند ، پطرس باید بمیرد. به هر حال ، آنها در افشای اعتقاد کلیسای اولیه مبنی بر ظهور مسیح پیش از وفات یوحنا ناکام مانده اند. مسیحیان در اعتقاد خود به بازگشت قریب الوقوع مسیح دچار اشتباه نشدند ؛ آنها از نظر تعصب مذهبی خود مبنی بر نمردن یوحنا دچار اشتباه شدند. تفسیر یوحنا قبل از مرگ طبق گفته های مسیح یک احتمال بود اما یقین مطلق نبود. همه آن چیزی که قریب الوقوع بودن تعلیم می دهد این است که ، می توانست رخ دهد نه اینکه اتفاق افتاد. این واقعیت که پطرس هنوز زنده بود ، ایمان آنها به بازگشت قریب الوقوع مسیح را کم نکرد ؛ این حقیقت که یوحنا هنوز زنده بود (به ویژه به این دلیل که او حداقل ۲۵ سال بیشتر از پطرس عمر کرد) این ایمان را محکم تر کرد.. آیا عدم وجود تاریخ مکتوب کلیسا در این دوره زمانی (۷۰ تا ۹۰ میلادی) را می توان به واقعیت اعتقاد راسخ آنها به بازگشت قریب الوقوع مسیح ، خصوصاً که یوحنا هنوز زنده بود ، نسبت داد ؟ این یک احتمال قطعی است.

۵-۲-۲- رومیان ۱۳:۱۱

پولس به رومیان چنین نوشت ، ".... در حال حاضر ، رستگاری ، از زمانی که تازه ایمان آورده بودیم به ما نزدیکتر است. " او به کدام جنبه از رستگاری اشاره کرد؟ این جمله نمی توانست اشاره به نجات اولیه از مجازات گناه باشد زیرا که آن گذشته بود. این سخن نمی توانست اشاره به تقدس پیشرو باشد چرا که این امر اکنون در زمان حیات پولس تحقق می یابد. اگر چه مرگ جسمانی ، به تعبیری خاص ، مؤمن را از حضور گناه نجات می دهد اما پولس در این زمان انتظار مرگ را نداشت. این امر باید به رستگاری نهایی و نجات جسم اشاره داشته باشد که پولس پیشتر در نامه (8:23) از آن سخن گفته بود. از آنجا که رستگاری جسم در هنگام بازگشت مسیح رخ خواهد داد ، پولس این رویداد را نزدیک یا قریب الوقوع می داند (به کاربرد واژه نزدیک توجه کنید ؛ cf. Matt. 3:2).

۵-۲-۳- یعقوب ۹-۷:۵

یعقوب به مؤمنان گفت که آمدن مسیح "نزدیک است" ۳ و اینکه قاضی "جلوی درها می ایستد" قطعاً این عبارات به معنای تاخیر در ظهور مسیح نیست یا اینکه او در فاصله ای نزدیک است. این نخستین کتاب های عهد جدید (۴۵ تا ۵۰ میلادی) ، اعتقاد به قریب الوقوع بودن را در طی بیست سال از عروج مسیح تعلیم می دهند.

۵-۲-۴- یوحنا ۲:۲۸

یوحنا برای فرزندان کوچکش نوشت که به مسیح وفادار و منتظر او بمانند تا "اگر ظهور کرد ما شجاعت داشته باشیم و هنگام آمدنش نزد او شرمنده نباشیم". ووئست (Wuest) می نویسد: "این وجه شرطی نشان از عدم قطعیت روز واقعه و در نتیجه مشخصه آن یعنی قریب الوقوعی دارد". (Kenneth S. Wuest, p. 453)

۵-۲-۵- مکاشفه ۲۰:۲۲

رسالت پایانی و دعای شریعت را بخوانید: "او که این چیزها را شهادت می دهد ، چنین می فرماید، در حقیقت: من به سرعت می آیم. آمین: می آید، ارباب عیسی". هر دوی اینها احتمال تحقق قریب الوقوعی ظهور را نشان می دهند. ۴.

۵-۳- نگرش مؤمنان

۵-۳-۱- انتظار

مؤمنان باید "منتظر مکاشفه اربابمان عیسی مسیح باشند" (1 cor. 1:7). آنها باید "منتظر منجی ، ارباب عیسی مسیح باشند: کسی که باید جسم حقیر ما را از نو بسازد" (Phil. 3:20-21).

۵-۳-۲- جستجو

مؤمنان باید در "جستجوی امید مبارک و ظهور جلال خداوند بزرگ و منجی ما عیسی مسیح باشند" (Titus 2:13). بین در مورد طبیعت امید کلیسا به ما هشدار می دهد. او می گوید این طور نیست که در مصیبت عظاما آسیب نبیند و یا اینطور نیست که قبل از مصیبت ، روز واقعه و رستاخیز از زمین محو شود ؛ اما امیدش ظهور مسیح و در نتیجه یکی شدن با او است. (J. Barton Payne, 1962, p. 43)

۵-۳-۳- آسودگی

پنطیکاست با توجه به مشکل تسالونیکا (1 Thess. 4:13-18) چنین می نگارد:

اگر تسالونیک‌یی‌ها معتقد بودند که کلیسا در حال گذار از هفته هفتادم است، آنها خوشحال می‌شدند که بعضی از برادرانشان این دوره درد و رنج را تجربه نکرده باشند و بدون تجربه طغیان خشم با مسیح بودند... این مسیحیان آشکارا معتقد بودند که کلیسا از هفته هفتادمی گذرد و در انتظارشان برای بازگشت مسیح عزادار برادرانشان بودند، برادرانی که به تصور آنها موهبت و خیر این واقعه را از دست داده بودند. (J. Dwight Pentecost, 1958, p.)
209) نگرش مؤمنان نسبت به بازگشت مسیح در استدلال قریب الوقوع بودن دارای نکات مناسبی است. همراه با ویرانی آتشبار این جهان و معرفی زمین و آسمان‌های جدید خواهد بود (Peter 3:8-14). این وقایع قریب الوقوع نیستند.

۵-۳-۴- رابطه مؤمن با خشم

پولس به مسیحیان تسالونیک‌یی فرمان داد تا منتظر عیسی باشند، کسی که ما را از خشم آتی نجات می‌دهد" (1 Thess. 1:10). ساختار یونانی عبارت اخیر استدلالی برای قریب الوقوعی ارائه می‌دهد. ترجمه تحت اللفظی آن چنین خواهد بود: "عیسی، کسی که در حال نجات ما از خشم است، خشمی که می‌آید." بین به سادگی این را به عنوان نجات کنونی از جهنم تفسیر می‌کند. (J. Barton Payne, 1962, p. 75) (E. Schuyle . rEnglish, Re 1954, p. 57) اما چرا پولس این خشم را به عنوان "خشمی که می‌آید" توضیح داد؟
خشم خدا در حال حاضر نسبت به کافران ماندگار است (John 5:24). اینجا، پولس در حال سخن از خشم مصیبت عظمی است ۵. این خشم در حال آمدن همانقدر قریب الوقوع است که بازگشت نجات بخش عیسی مسیح. خداوند خشم را بر ما مقرر نداشته است (خواه خشم جهنم یا خشم مصیبت عظمی) بلکه رستگاری و رهایی از هر دو خشم را بر ما مقرر داشته است (1Thess. 5:9). لاد معتقد است که کلیسا تاب تحمل خشم انسان و خشم دجال را خواهد داشت لیکن تاب تحمل خشم خداوند را نخواهد داشت. همانطور که بنی اسرائیل در زمان نزول آفات و بلایا بر مصر از سوی خداوند، نجات یافت، کلیسا هم با وجود مصیبت از بین نخواهد رفت بلکه نجات یافته و از آن گذر خواهد کرد.

(George Eldon Ladd, 1956, p. 85-86) وود با ارجاع به گفتارهای موازی (John 17:15, Rev.)
3:10) پاسخ لاد را می‌دهد: مطمئناً می‌توان با عدم مشارکت از شر نجات یافت اما این امر در مورد ساعت و سوسه صادق نیست. چرا که ساعت و سوسه بخشی از زمان است و یک شخص یا در آن است و یا در غیر این صورت خارج از آن است (Leon J. Wood, 1956, p. 24-25).

۵-۴- استدلال تاریخی

کتاب مقدس باید به عنوان تنها مرجع موثق آموزه قریب الوقوعی باقی بماند، با این حال، شواهد اثبات کننده را می‌توان از تفسیرهای پدران کلیسا و اصلاح طلبان جمع آوری کرد. پسا مصیبت گرایان (J. Barton Payne, 1962, p. 13-26) و پیش مصیبت گرایان (John F. Walvoord, 1957, p.54-79)، هر دو موافقند که پدران کلیسا و اصلاح طلبان به اصل قریب الوقوعی ظهور اعتقاد داشتند. والوورد حتی ادعان می‌کند که بعضی از پدران و اصلاح طلبان پسا مصیبت گرا بودند. علت این تناقض چه بود؟ پدران و اصلاح طلبان، هر دو همه چیز را با توجه به شرایط و وضعیت خود تفسیر می‌کردند.

پدران کلیسا فکر می‌کردند که آنها در مصیبت بودند چرا که مورد اذیت و آزار امپراطور روم، بودند. اصلاح طلبان فکر می‌کردند که آنها در مصیبت بودند زیرا که مورد اذیت و آزار پاپ، دجال تصور شده، بودند. پسامصیبت گرایان تایید می‌کنند که پدران و مصلحان در ایمان خود به قریب الوقوعی اشتباه می‌کردند اما در ایمان به بازگشت

مسیح پس از مصیبت حق داشتند. پیش مصیبت گرایان اظهار می کنند که آنها در ایمان به قریب الوقوعی حق بودند اما در شناسایی آزار و اذیت خود با مصیبت عظمی در اشتباه بودند.

۵-۵- استمرار وحی

دو ظهور مسیح که از نظر رسولان عهد عتیق متمایز نبودند (1 Peter 1:10-12)، تا بعد از نخستین ظهور مسیح آشکار نشدند. به عقیده ی وود، در مکاشفه و درک دومین ظهور مسیح، وضعیت مشابهی حاکم بود. نخست، شاگردان ترجمه را از مکاشفه تشخیص ندادند. او می گوید: "گرچه عیسی به این مسئله پی برد اما او از توضیح بیشتر خودداری کرد زیرا دانست که او آنگاه بیش از درک آنها آشکار کرده است." (Leon J. Wood, 1956, p. 103). همانطور که حقیقت دو مرحله به تدریج بر آنها آشکار می شد، فهم آنها هم روشن تر می شد. چه موقع آنها این دو مرحله را تشخیص می دهند؟ چه وقت آنها حقیقت قریب الوقوعی را درک خواهند کرد؟ وود نتیجه گرفت که: مسلم است که آغاز شد و در زمان نوشته های پولس، پطرس، یعقوب و دیگران وجود داشت. این واقعه وجود نداشت تا بعد از اینکه کلیسا به واقعیت تبدیل شد و چند سال از آغاز آن گذشت. اما درست زمانی که بین این دو غایت آغاز شد، گفتن آغاز نخست آن کاملاً غیرممکن به نظر می رسد. اما به سختی هم لازم است. آغاز شد و این همه آن چیزی است که برای رد تفسیر پسا مصیبت گرایانه نیاز است.

از بهشت تا پاتموس Patmos، خداوند به تدریج برنامه خود را به مردم نشان داد. بی شک، همین امر در مورد آموزه ظهور دوم عیسی مسیح با ویژگی های متمایز کننده آن یعنی تفسیر قریب الوقوعی کلیسا و متعاقب آن بازگشت به زمین، نیز صادق است. (Freeman, Charles, 200., p. 133)

۵-۶- رجعت حضرت عیسی (ع) در قرآن و منابع اسلامی

اعتقاد مشترکی درباره رجعت عیسی (ع) در آخرالزمان با مسیحیت وجود دارد با این تفاوت که آنها معتقدند او به صلیب کشیده شده است، اما قرآن این اعتقاد را رد می کند و می فرماید او به صلیب کشیده نشده و به قتل نرسیده است. برخلاف کتاب مقدس، قرآن و روایات اسلامی مصلوب شدن عیسی (ع) را تأیید نمی کنند. در آیه ۱۱۶ سوره مائده درباره مسأله عدم صلیب کشیده شدن عیسی (علیه السلام) می فرماید «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا».

بر اساس منابع اسلام، خداوند رسول خود را قبل از عملی شدن توطئه قتل وی به آسمان برده است در آن شب عیسی (ع) حکمت و علم به کتاب خدا را به جانشین خود، حضرت شمعون بن حمون ملقب به صفا (صخره، پطرس) به امانت سپرد. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ص ۳۳۵، ح ۳؛ ج ۹۸، ص ۱۹۴، ح ۵). زمان عروج عیسی (ع) بر اساس گزارش برخی روایات، شب بیست و یکم ماه رمضان المبارک بود. (همان، ج ۱۴، ص ۳۳۵، ح ۱؛ ص ۳۳۶، ح ۴). وی به همراهی جبرئیل امین و هزاران فرشته ی دیگر به آسمان رفت. در میان زمین و آسمان روح از بدنش جدا شد و چون به آسمان رفت، روح به بدنش بازگردانده شد. (همان، ح ۱۱). عیسی (ع) ذخیره ی خدا برای گسترش عدالت در جهان بود. از این رو، خداوند وی را تا زمان فرارسیدن روز موعود به نزد خویش فرا خواند. براساس گزارش منابع اسلامی، عیسی (ع) پس از ظهور موعود امم، مهدی (عج) به زمین باز خواهد گشت. مسیحیان تمام پیش گوئی های مربوط به آخر الزمان را بر عیسی (ع) تطبیق کرده اند، اما روایات اسلامی حوادث آخرالزمان را از هم تفکیک کرده اند. برخی از این حوادث مربوط به قیام موعود جهانی (عج) است و برخی دیگر بر ظهور عیسی (ع) قابل تطبیق است. بر اساس این احادیث، در ابتدای ظهور مهدی (عج) سیصد و سیزده تن از یاوران خالص و حقیقی

وی از سرتاسر جهان جمع خواهند شد. اجتماع این افراد به گونه ای خارق العاده است. پس از اجتماع آنان، قیام مهدی موعود (عج) شکل علنی به خود خواهد گرفت. (همان، ج ۵۲، ص ۲۸۳، ح ۱۰؛ ص ۲۸۶، ح ۲۱).

جمع شدن یاران مهدی (عج) در منابع اسلامی شبیه به گرد آمدن یاران مسیح در منابع مسیحیت است. عیسی (ع) پس از نزول از آسمان، حقیقت دین خدا را به مسیحیان خواهد شناسانید، صلیب را خواهد شکست و بر مسیحیت دروغین مهر ابطال خواهد زد. (همان، ج ۵۲، ص ۳۸۲، ح ۱۹۳). قرآن کریم عیسی را این گونه معرفی می کند: عیسی - علیه السلام - یکی از پیامبران بزرگ صاحب شریعت است. [شورا ۱۳] که خداوند وی را بر بسیاری از پیامبران دیگر برتری بخشید. [بقره ۲۵۳] و آیات و نشانه های روشن و معجزات بسیاری را توسط او نمایان نموده است [آل عمران ۴۹] او روح الله [نساء ۱۷۱] و کلمه الله [آل عمران ۴۵] و مؤید به روح القدس است [بقره ۲۵۳] حضرت عیسی - علیه السلام - دارای خلقتی استثنایی و معجزه آسا است. [مریم ۱۵-۳۵] و مانند حضرت آدم با اراده خاص خداوند، بدون پدر متولد شده است. [آل عمران ۵۹] وی قبل از هر چیز خود را عبد و بنده خدایی می داند که او را پیامبر و وجودش را (مبارک) قرار داد. [مریم ۳۰-۳۱] و او انجیل را آورده که مایه نور و هدایت است. [مائده ۴۶]

از آیات دیگری که استدلال بر زنده بودن عیسی (ع) و بازگشت آنحضرت در آخرالزمان دارد، آیه ۴۶ سوره آل عمران است آنجا که خداوند فرمود: «وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ»؛ و با خلق در گهواره همچون بزرگسال سخن گوید و او از جمله صالحان است. بر اساس استنادات تاریخی، عیسی (ع) در زمان جوانی یا به آسمان عروج کرد و یا به اعتقاد مسیحیان، ایشان در سن میانسالی به صلیب کشیده شد و هیچ گاه به کهولت نرسید. برخی مفسران و اندیشمندان مسلمان گفته اند این آیه گویای بازگشت عیسی (ع) در آخرالزمان و مبارزه با دجال و دجالیان است.

بنابراین بازگشت عیسی (ع) از نگاه شیعه در آخرالزمان و مبارزه ایشان با دشمنان امام عصر (عج) از مسلمیات اعتقادی شمرده می شود. به عنوان نمونه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است «... از شماست قائم که از ذریه علی و فاطمه و از فرزندان حسین است و عیسی بن مریم (ع) پشت او نماز می گزارد هنگامی که خدا او را به زمین فرود می آورد؛ و مِنْكُمْ الْقَائِمُ يُصَلِّيْ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ إِذَا أَهْبَطَهُ اللهُ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ ذُرِّيَّةِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ» (بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۷) نقطه اشتراک تفکر دین مبین اسلام با مسیحیت در بازگشت و دعوت جهانی عیسی (ع) در مقطعی از آخرالزمان و زمینه سازی برای حکومتی الهی همراه با ارزش های آسمانی است. اما تفاوتی که در تفکر اسلام یعنی قرآن و احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) با مسیحیت درباره وجه آخرالزمانی حضرت عیسی (ع) وجود دارد، حداقل در سه مسئله است:

اول اینکه مسیحیت معتقد است که حضرت عیسی (ع) به صلیب کشیده شده و به قتل رسیده است و در مقطعی از آینده زنده شده و به دنیا بازمی گردد. در حالی که خداوند در قرآن این تفکر را رد می کند همچنین بر اساس آیاتی از قرآن و تفاسیر ذیل آن، حضرت مسیح (ع) که اکنون به سوی خداوند رفعت یافته است، در آخرالزمان به دنیا بازمی گردد و نقش مهمی در زمینه سازی حکومت منجی ایفا می کند

دوم اینکه مسیحیت معتقد است عیسی (ع) در زمان بازگشت به دنیا، بنی اسرائیل و مؤمنان به خود (یعنی مسیحیان) را نجات می دهد. در این باره می گویند مسیح همراه با پیروزی و فتح به جهان باز خواهد گشت و با تشکیل حکومت و برپایی ملکوت الهی، بنی اسرائیل و همه مؤمنان به خود را نجات خواهد داد. (لوقا ۱۹: ۱۱-۲۷) در حالی که بر اساس آموزه های قرآنی و روایی اسلام، عیسی علیه السلام پیش از قیام قائم به این جهان فرود خواهد آمد و طی فرآیندی عمده اهل کتاب را به دین مبین اسلام دعوت می کند و در نهایت همگان پشت سر حضرت مهدی (عج) نماز می خوانند؛ (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۵۸)

سوم اینکه به باور مسیحیت، عیسی علیه السلام مدیریت و فرماندهی عالم را بر عهده می‌گیرد و همگان را نجات می‌دهد و عامل برپایی حکومت آرمانی است، منتها با این تفاوت که بر اساس باور تحریف شده مسیحیت، محوریت برنامه نجات عیسی علیه السلام با بنی اسرائیل و برای به قدرت رساندن آنها است. اما بر اساس آموزه‌های دین اسلام، مسیح علیه السلام در مسیر یاری امام عصر (عج) برای برچیدن کفر و مستبدان عالم قیام می‌کند تا زمینه‌ساز حکومت منجی یعنی امام عصر (عج) باشد. (الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۴۸)

۶- نتیجه گیری

یکی از اصول برجسته ی مسیحیت این است که عیسی می‌تواند هر لحظه ظهور کند. مجامع الهیاتی این دکترین را مسیحیت همراه با رستگاری، غسل تعمید در روح القدس، و شفای الهی در میان مجموعه ای از باورها که اغلب به عنوان آموزه های اصلی از آنها یاد می‌شود، گروه بندی می‌شود. مبلغین این چهار عقیده با این ترتیب را شناسایی می‌کنند، واز آنها «برای مأموریت اصلی کلیسا جهت ظهور عیسی مسیح یک ضرورت می‌دانند».

برخی بر این باورند که حضرت عیسی تا زمانی که جنبه های گمشده کلیسا بازسازی نشود نمی‌تواند بازگردد. برخی دیگر معتقدند که همه یهودیان باید ابتدا به سرزمین اسرائیل بازگردند یا به عیسی ایمان بیاورند. گروه های دیگر معتقدند که مسیحیان ابتدا باید تسلط بر زمین را از شیطان و پیروانش پس بگیرند. برخی دیگر نیز بر این باورند که رویدادهای آخرت شناختی مانند ظهور دجال، نبرد یاجوج و ماجوج، آرماگدون، بازسازی معبد سلیمان، یا برقراری مجدد سیستم قربانی باید قبل از بازگشت مسیح باشد. کلیسای اولیه که با موعظه خود، این روند را ادامه داد در حالی که در عین حال معتقد بود عیسی می‌تواند هر لحظه بیاید. آنها به بازگشت قریب الوقوع اعتقاد داشتند و بازگشت مسیح یک رویداد باشکوه در تقویم نبوی خداوند است، اما این آموزه شگفت‌انگیز گاهی اوقات می‌تواند مبهم باشد که کدام جنبه از بازگشت مسیح توصیف می‌شود و بسیاری از تفسیرها از عبارت دوم استفاده می‌کنند. به طور کلی به هر دو جنبه بازگشت مسیح اشاره می‌شود. بر اساس مروری بر تفسیر و تحلیل ها، می‌توان گفت که اکثر دانشمندان محافظه کار انجیلی که کتاب مقدس را به شیوه ای تحت اللفظی و هنجاری تفسیر می‌کنند، آمدن دوم، هنگامی که مسیح با عروشه می‌آید، کلیسا برای قضاوت و جنگ علیه دشمنانش به زمین می‌آید و به دنبال آن پادشاهی هزار ساله او تأسیس می‌شود. اگر کسی دیدگاه قبل از مصیبت را بپذیرد، این تمایز کاملاً واضح به نظر می‌رسد. با این حال، اگر کسی طرفدار رستاخیز پس از مصیبت باشد، هویت این رویدادها در یک رویداد ادغام می‌شود.

مکاشفه آمدن دوم مسیح یکی از مهمترین و پربارترین آموزه های عهد جدید است. که به وضوح یک آمدن پیش از هزاره را در پایان مصیبت بزرگ برای داوری جهان و به ارمغان آوردن نشان می‌دهد.

در نگاه انگلیکن های قرون معاصر نیز ظهور زمان آماده سازی است، البته، برای جشن گرفتن تجسم پسر خدا در میان پیروان. این یک جشن کریسمس نیست، بلکه آماده شدن نظم کلیسا برای پیوستن به انتظار ظهور، همچنین زمانی است که باید آمدن دوم او را پیش بینی کرد، نه به عنوان یک نوزاد درمانده، بلکه به عنوان کسی که زنده ها و مردگان را قضاوت خواهد کرد. کسی نمی‌داند که اتحاد بزرگ چه زمانی خواهد بود. این صرفاً یادآور شکستگی جهان و نیاز جهانی به نجات مسیح و پادشاهی او می‌باشد. و نهایتاً بیش از یک چهارم کتاب مقدس پیشگویی است. که تقریباً یک سوم آن هنوز محقق نشده است. هم عهد عتیق و هم عهد جدید مملو از وعده هایی در مورد بازگشت عیسی مسیح هستند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

١. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار
٢. تفسیر علی ابن ابراهیم قمی
٣. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) ابو منصور

منابع لاتین

4. Block, Marguerite Beck (1932). The New Church in the New World. New York: Henry Holt and Company. p. 38
5. C. I. Scofield (ed.), the Scofield Reference Bible (New York: Oxford University Press, 1945), pp. 1332-1334.
6. E. Schuyler English, Re -Thinking the Rapture (Travelers Rest: Southern Bible Book House, 1954), p. 57.
7. George Eldon Ladd, the Blessed Hope (Grand Rapids: Zondervan Publishing House, 1956), p. 96ff.
8. H. E. Dana and Julius R. Mentey, a Manual Grammar of the Greek New Testament (New. York: The Macmillan Company, 1962), p. 185.
9. John F. Walvoord, the Rapture Question (Findlay: Dunham Publishing Company, 1957) p. 148.
10. J. Dwight Pentecost, Things to Come (Findlay: Dunham Publishing Company, 1958), p.165.
11. J. Barton Payne, the Imminent Appearing of Christ (Grand Rapids: Wm. B. Eerdmans Publishing Company, 1962), pp. 105-106.
12. Kenneth S. Wuest, "The Rapture--Precisely When?" Bibliotheca Sacra, CXIV, No. 453
13. Leon J. Wood, Is the Rapture Next? (Grand Rapids: Zondervan Publishing House, 1956), p. 96ff.
14. L. Berkhof, Systematic Theology (Grand Rapids: Wm. B. Eerdmans Publishing Company, 1953), pp. 696-703.
15. Loraine Boettner, The Reformed Doctrine of Predestination (Philadelphia: The Presbyterian and Reformed Publishing Company, 1963), p. 136
16. Norman B. Harrison, the End (Minneapolis: The Harrison Service, 1941), p. 233.
17. Oswald T. Allis, Prophecy and the Church (Philadelphia: The Presbyterian and Reformed Publishing Company, 1945), pp. 257-260.
18. "International Standard Version". Bible Gateway (English). Retrieved 2021-03-16.
19. Freeman, Charles. The Closing of the Western Mind, p. 133. Vintage. 2002.
20. Future Survival, Chuck Smith, The Word for Today, Costa Mesa, CA 1978, page 172
21. Ralf van Bühren, Caravaggio's 'Seven Works of Mercy' in Naples. The relevance of art history to cultural journalism, in Church, Communication and Culture 2 (2017), pp. 63-87.
22. "What Lutherans Teach about Christ's Second Coming". Concordia Publishing House. 4 January 2016. Retrieved 18 May 2021

23. Anglican Church of Canada, Book of Alternative Services, p 195.
24. Gorrie, Peter Douglass (1852). Episcopal Methodism. Derby and Miller. p. 148.
25. Guidebook of the Emmanuel Association of hurches. Logansport: Emmanuel Association. 2002. p. 11.
26. "Second Coming of Jesus Christ", Study Helps: Gospel Topics, LDS Church, retrieved 2014-07-09.
27. "Chapter 43: Signs of the Second Coming", Gospel Principles, Salt Lake City, Utah: LDS Church, 2011, pp. 251–256.
28. Fundamental Beliefs of the Seventh-day Adventists" (PDF). p. 11 (last page) of the pdf file.

The imminent return of Jesus Christ in the Anglican religion with a look at Islamic jurisprudence⁵

mansooreh nejat nia⁶ Bakhshali ghanbari⁷ mohammadreza adli⁸

Abstract

The return of Jesus Christ, which is interpreted as the second coming or Parousia, is a Christian belief that this idea is based on prophecies and is part of Christian eschatology. There are differences of opinion among Christian sects regarding this view. In the New Testament, the return of Jesus is mentioned and in it terms like: arrival, coming or presence are mentioned and that event is defined as "savior" and "incarnation" of God. According to the New Testament Bible, the return of Jesus to earth will be a glorious event that will appear with events. The Second Coming is mentioned in the Nicene Creed and the Apostles' Creed. In the following centuries, the issue of the return of Jesus Christ in the Protestant circles also has debates and reform actions, especially because in the Lutheran and Anglican rites it is mentioned as the second return that Jesus will come again with glory to judge the living and the dead. According to Anglicans' belief, we experience the signs and evidences of Christ's return in the world and in our current life, which we clearly witness in the Eucharist. According to them, the return is in justice and peace and this fact must be realized. Finally, there is the belief and expectation of the return of Jesus in the end times. In this essay, prominent cases of apocalyptic beliefs of Christianity, especially in the Anglican denomination, are examined.

Keywords: *Jesus Parousia Christianity New Testament Gospel Protestant Anglican.*

⁵- **Receive Date:** 29 May 2022, **Accept Date:** 22 August 2022.

⁶-PhD student of religions and mysticism of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Literature and Human Sciences. parsouya@yahoo.com

⁷- Associate professor of religions and mysticism of Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Literature and Human Sciences. (cross pounding author) bbqarar@yahoo.com

⁸- Associate professor of religions and mysticism of Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Literature and Human Sciences. mod_adli@yahoo.com